

ازدی بهشت
نام دومین ماه سال و به معنای پاکی و راستی است.^۱

۱. برهان قاطع، محمدحسین بن خلف تبریزی، تصحیح محمد معین، جلد یکم، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۲، ذیل مدخل اردیبهشت.



موضوع: فروعی، محمدحسین، ۱۳۴۵-

عنوان: نام پدیدآور: اردیبهشت، براساس زندگی و خاطرات

سردار شهید امان الله جزینی / به کوشش محمد حسین فروغی

مشخصات نشر: اصفهان: انتشارات ستارگان درخشان، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ صفحه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۷-۰۱۴-۸

وضعیت فهرست نویسی: ایپا

موضوع: جزینی، امان - ۱۳۳۱-۱۳۸۱

موضوع: جنگ ایران و عراق - ۱۳۵۹-۱۳۸۱ - شهیدان - سرگذشتنامه

موضوع: Iran-Iraq war, 1980 - martyrs-biography - 1980

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۴۷۱ DS

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۳۰۶۰۶

نام کتاب: اردی بهشت

زندگینامه سردار شهید امان الله جزینی

نویسنده: محمدحسین، فروغی

طراح جلد و صفحه آرایی: محمدهادی مرادی

ناشر: اصفهان، ستارگان درخشان

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۵

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۷-۰۱۴-۸

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۸	مقدمه کنگره
۱۰	مقدمه نویسنده
۱۷	احمدآباد دُرچه
۲۲	خانواده محمدعلی
۲۴	تکسیر خانسواده
۲۶	خودکشی پرشور و احساس
۲۹	مرد کار و راه پیدر
۳۱	معافیت ز سربازی
۳۱	مرد کار و تحصیل
۳۳	معلم قرآن و مرجع الاعلی
۳۶	ورود به دنیای سیاست
۳۶	دغدغه‌های سیاسی
۳۸	بچه‌های محل و جو عمومی روستا
۴۱	مسجد احمدآباد پایگاه بچه‌های محصل
۴۴	برخورد با منکرات در محل
۴۷	شرکت در جلسات سخنرانی‌ها در اصفهان
۴۹	فعالیت‌های مخفی سیاسی
۵۲	پیروزی انقلاب
۵۵	تب‌وتاب شهید در حفظ انقلاب پابرهنگان
۵۶	غائلهٔ خلق عرب و حوادث آن
۶۲	امان‌الله و غائلهٔ خلق عرب
۶۵	عضویت در سپاه پاسداران
۶۹	غائلهٔ خلق ترکمن
۷۴	تولد دومین فرزند
۷۵	امان‌الله در دوران دفاع مقدس
۷۵	مقدمه
۸۲	ایجاد آمادگی در نیروها

۸۷	دفاع از تفکر حزب الله
۸۹	گزارش مأموریت خوزستان
۱۱۱	مأموریت نظامی در آبادان
۱۱۱	اهمیت آبادان برای ایران و عراق
۱۱۳	محاصره آبادان
۱۱۷	آغاز عملیات آزاد سازی مناطق اشغال شده
۱۱۸	مأموریت در فتح المین
۱۲۴	مأموریت بیت المقدس
۱۳۱	شهادت قربان
۱۳۴	کوچ آسمانی
۱۳۹	پس از شهادت
۱۳۹	تشییع پیکر شهید
۱۴۲	روحیه خانواده
۱۴۴	وصیت نامه شهید
۱۴۴	وصیت اول
۱۴۷	وصیت دوم و اصلی
۱۵۲	امان الله دیگری به دنیا آمد
۱۵۵	شهید جزینی در دل نوشته ها و گفتار دوستان و خانواده
۱۶۲	گاه شمار زندگانی شهید
۱۶۳	پی نوشت
۱۷۲	فهرست منابع
۱۷۷	گزیده اسناد
۱۹۲	آلبوم تصاویر

مقدمه کنگره

شهدا در قهقهه‌ی مستانه‌شان و در شادی وصالشان عند ربهم
یرزقون‌اند و از نفوس مطمئن‌های هستند که مورد خطاب فادخلی فی
عبادی و ادخلی جنتی پروردگاراند. (امام خمینی «ر»)

فراموشی و تحریف دو آسیبی است که در کمین هر حادثه
تاریخی سرار دارد و دست‌اندرکاران دفاع مقدس نباید اجازه دهند
این حماسه، در غبار فراموشی و تحریف شود. (امام خامنه‌ای)

بسم رب الشهداء و الصالحین

بدون تردید جنگی که در این سال تولد انقلاب شکوهمند اسلامی بر
ملت بزرگ ایران تحمیل شد، «جنانه» این ملت سرافراز از شرف و
حیثیت ملی و دینی خویش یکی از مهمترین فصل‌های تاریخ این مرز و بوم
است که تا همیشه از یاد نخواهد رفت. عرصه دفاع مقدس زمینه‌ای بود برای
ظهور قهرمانانی که هشت سال جنگ نابرابر را به دفاع مقدس تبدیل
کردند و در آن خصلت‌های جوانمردی، خودباوری، از خودگذشتگی، ایثار
و شهادت‌طلبی را به منصف ظهور رسانیدند.

فرزندان خمینی کبیر (قدس الله نفسه الزکیه) غزل عرفان و انبوی حماسه
را به هم آمیخته و قصیده مقاومت سرودند و هرکدام خورشید تابناکی شدند
بر تارک آسمان ایران اسلامی و چراغی فرا راه آیندگان این مرز و بوم. چنانکه
مقام عظمای ولایت می‌فرماید: «بی‌شک اگر لحظات پر معنی و پر ماجرای
هر یک از این رشادت‌ها و حماسه‌ها ثبت شود غنی‌ترین میراث معنوی برای
تاریخ بر جای می‌ماند.»

مجموعه کتاب‌های «راست‌قامتان»، روایت زندگانی سرداران شهید

شهرستان خمینی شهر، یاد یاران و خاطره خوبان و ستارگان این سرزمین است که از سرچشمه پر فیض کربلا سیراب شدند و قیام سید و سالار شهیدان را چراغ راه خویش ساختند و چون مقتدای خویش حسین بن علی علیه السلام جاودانه شدند.

تلاش ما در این مجموعه که با بهره‌گیری از استادان مجرب و نویسندگان متعهد، در قالب‌های متنوع از جمله: داستان، خاطره، فرهنگ‌نامه و تاریخ‌نامه تدوین و تألیف می‌گردد این است که پنجره‌ای به سمت درخت معرفت همیشه سبز و بارور ره‌یافتگان وصال باز کنیم و با مرور لحظات مقدس حیات این بزرگان هدایی گوشه‌ای از اوقات شکفتن و شکوفایی آنان را انعکاس دهیم؛ باشد که سرشق زندگی نسل‌های امروز و فردای ایران عزیز و ملت‌های آزاده جهان باشد امید است این اندک بضاعت کوچک ما ادای دینی به ساحت پاک ایثار و پابرجای شهیدان باشد.

«اردیبهشت» یازدهمین کتاب از مجموعه راست‌قامتان، مجموعه‌ای از زندگی‌نامه و خاطرات خانواده، دوستان و هم‌زمان سردار شهید امان‌الله جزینی، به کوشش دکتر محمدحسین فروغی گردآوری و به صورت مستند و علمی تدوین شده است و در اختیار خوانندگان عزیز قرار می‌گیرد. با آرزوی آنکه خوانندگان محترم کاستی‌ها را به دیده اغماض بنحرنند و آنرا در ادامه این مسیر از راهنمایی‌های خویش محروم نسازند.

بر خود لازم می‌دانیم از نویسنده محترم کتاب که با مجاهدتی خستگی‌ناپذیر و صبورانه کار جمع‌آوری و تدوین را به انجام رساندند و همه عزیزی که به هر نحو در به ثمر رسیدن این اثر فرهنگی کنگره شهدا را یاری نموده‌اند؛ قدردانی نماییم.

کنگره ملی بزرگداشت ۲۳۰۰ شهید شهرستان خمینی شهر

مقدمه نویسنده

از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر
یادگاری که در این گنبد دوار بماند

وقتی در اردیبهشت ۱۳۹۴ به گلزار شهدای احمدآباد دُرچه رفتم، در آن ساحل زاینده رود و پشت ماربین که مورخان آن را به بهشت مثل زده‌اند، زیارتگاهی باشکوه دیدم. مرار شهدا با گنبد سبزش چون سینه ستر پهلوانان بود که در آن سرداران و سرآزانی آرمیده‌اند. همه زیبایی آن زیارتگاه، عکس‌های جوانان و پیرانی با چشمان معصوم و عاشق بود که بر سنگ مزارها نقش بسته بود. یادمان هست که در برهه‌ای حساس از تاریخ ایران همین چشمان معصوم، پر از شراره خشم گشته، بر دشمن تاخته و کشور را از لوٲ اجانب پاک کرده‌اند. احمدآباد، امروزه جای از محلات دُرچه یا همان شهر شاهد نمونه‌ی کشور است. بیشترین شهروندان نسبت به جمعیت، به‌ظاهر در همین احمدآباد به انقلاب تقدیم شده‌اند. پیش‌ازین احمدآباد دهی بوده که در دوران انقلاب و جنگ حدود ۱۵۰۰ نفر جمعیت داشته است.

امان‌الله جزینی در همین بهشت زمینی قدم به عرصه وجود گذاشت. خانواده‌اش نه دستی بر قدرت داشتند و نه بهره‌ای درخور از دنیا که در سایه‌سار آن آرام زندگی کنند. محمدعلی جزینی، پدر امان‌الله، نه آن‌قدر زمین کشاورزی داشت که کفاف هزینه خانواده را بدهد و نه در آن صفحات آن‌قدر کار پیدا می‌شد که از طریق کارگری امرار معاش کند؛ ازین‌رو ناچار بود تا در آن‌گاه که...

حتی با جمع‌آوری ضایعات هم سپری کند تا نان حلالی برای خانواده تهیه نماید. محمدعلی بعداً در کارخانه مشغول به کار شد و زندگی‌اش بهبود یافت. اولین فرزند و تنها پسر خانواده محمدعلی، امان‌الله بود. امان‌الله دوران کودکی خود را در همراهی با پدر و عموها و دایی در کشاورزی و گاهی هم در امور اداری قرض‌الحسنه گذراند. هرچه بزرگ‌تر می‌شد امیدواری پدر، مادر و خواهرانش به او زیادتر می‌شد.

فضای عمری روستای احمدآباد مذهبی بود. وقت نماز مسجد ابوذر که تنها مسجد روستا هم بود، پُر از جمعیت می‌شد. این تک مسجدی بودن روستا، رازی را از دست عمومی طبقات در خود داشت که نتایج آن در سال‌های انقلاب و جنگ ملاحظه شد. جلسات قرائت قرآن و تفسیر آن هم در همین مسجد برگزار می‌شد. همت و ذوق بانیان و معلمان این جلسات آن را پررونق کرده بود. همه این سبب‌های احمدآباد که بعداً دُرچه و خمینی‌شهر را هم تحت تأثیر قرار داد، در همین جلسات قرآن مسجد ابوذر احمدآباد تشکیل شد. امان‌الله جزینی که در این جلسات پرورش یافته بود، به‌زودی چنان متحول شد که زندگی خود را وقف قرآن و معارف آن کرد.

امان‌الله پس از ششم ابتدایی تحصیلات را برای مدتی ترک کرد و کمک‌کار پدر شد اما پس از معافیت از سربازی و از واجد دیپلم، دوباره تحصیل را از سر گرفت. دهه ۱۳۵۰ یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ ایران است. رشد درآمدهای نفتی و گسترش ارتباط با غرب در کنار توسعه رسانه‌ها زمینه‌ساز تغییرات فرهنگی در کشور شده بود. در این آشفته‌بازار، کمونیست‌ها هم در باورهای عمومی القاء شبهه می‌کردند و یارگیری می‌نمودند. انتشار کتاب‌های استاد مطهری و دکتر شریعتی فرصتی فراهم کرده بود تا جوانان با دیدی نو و دینی به شرایط نگاه کنند. تعارض میان ارزش‌های طبقه حاکم و ارزش‌های موجود در متن طبقات عمومی در کنار زمینه‌های دیگر زمینه انقلاب را فراهم آورد. امان‌الله که از چند سال پیش از انقلاب به‌عنوان یک

جوان منتقد و مذهبی شناخته می‌شد در گرماگرم انقلاب احساس مسئولیت بیشتری در خود داشت. او که از سویی در بالا بردن آستانه‌های اخلاقی خود می‌کوشید و از سویی در مبارزه با منکرات پیشتاز بود، در این روزها سرگرم فعالیت مخفی و مبارزاتی بود. شرکت در جلسات اصفهان و تهیه و تکثیر اعلامیه‌های امام خمینی (ره) تا فعالیت در کمیته‌های امنیتی محلی و به راه انداختن تظاهرات از جمله اقدامات امان‌الله در جریان انقلاب بود.

دفاع از انقلاب سخت‌تر از خود انقلاب بود؛ از این رو در دوران پس از انقلاب حساس مسئولیت امان‌الله چند برابر شد. تشکیل پاسدارخانه‌های امنیتی محلی، همراهی با کمیته‌های انقلاب و اعزام به خوزستان برای مبارزه با جنبش تجزیه طلبان عرب از جمله اقداماتی بود که سبب شد تا به محض تشکیل سپاه در شهر، رچه از او نیز دعوت شود تا در این مجموعه همپا شود تا اهداف انقلاب بین ماند. در دوران پاسداری تکاپوی امان‌الله بیشتر شد. کلاس‌های قرآن، عقاید، اندیشه‌شناسی، اردوهای رزمی و عقیدتی، تبلیغات خیابانی و آمادگی برای اعزام‌ها از جمله این کوشش‌ها بود. در بهمن ۱۳۵۸ به ترکمن صحرا اعزام شد و یک ماه را در آنجا گذراند. هنوز یک ماه از آغاز جنگ عراق علیه ایران نگذشته بود که مأمور بررسی شرایط و تهیه گزارش از خوزستان شد. در بهار سال ۱۳۶۰ نیز به عنوان فرمانده عملیات در دو ماه در خط معروف به ایستگاه ۷ به عنوان فرمانده عملیات درآمد. در بهمن همان سال نیز به دزفول اعزام شد و عملیات فتح‌المبین را رهبری کرد. تازه از عملیات برگشته بود که دوباره نام نوشت تا به عملیات جدید برود. در عملیات بیت‌المقدس جانشین فرمانده گردان مسلم بود و پس از شهادت شهید محمدرضا سلطانی هدایت گردان با او بود. مرحله دوم عملیات را با تمام موفقیت‌هایی که داشت طی نمود اما در مرحله سوم عملیات وقتی گردان را در برابر «شیلکا»ی دشمن زمین گیر شده می‌دید به بالای خاک‌ریز شتافت و آتش این چهار لول را با دو خدمه‌اش خاموش کرد اما نفر سومی

۱۹ اردی بهشت ماه ۱۳۶۱ به مهمانی خدا رفت.

جنگ تحمیلی شش سال بعد از آن تمام شد و کشور دوران سازندگی را آغاز کرد. حالا فرصتی پیش آمده بود تا تجربه و زندگی قهرمانان و حماسه سازان افتخار آفرین آن دوران در اختیار نسل های بعد قرار گیرد. تهیه کتاب زندگی نامه برای این بزرگان کار سختی است. آن ها که با دانش تاریخ آشنایند خوب می دانند که مستند بودن داده ها از اولین شروط اعتبار این دست کتاب است. فقدان منابع مورد انتظار از اولین مشکلاتی است که در تهیه زندگی نامه شهدا با آن روبرو هستیم. این موضوع وقتی سخت تر می شود که شهید مورد نظر ما، دوره های اولیه جنگ به شهادت رسیده باشد. آن زمان تهیه عکس و ضبط صوت هم کار چندان آسانی نبود چه رسد به فیلمبرداری که در جای خود دو سال انتظار می برد. تهیه زندگی نامه شهدا از راه بررسی اسناد مکتوب و شفاهی انجام می شد. اما گذر زمان سبب شده است تا بسیاری از مدارک شفاهی یا همان شخصیات های که خاطرات ایشان می تواند سند شود، از میان رفته باشند. مشکل دیگر تمام بودن شخصیت هایی است که زندگی آنان باید نوشته شود. این افراد غالباً از خانواده هایی بودند که طبقه اجتماعی آنان پیش از انقلاب شهرت و معروفیتی نداشت. است تا به واسطه ی آن اسنادی از ایشان در دست و یا منتشر شده باشد. گذر زمان هم بیشتر اسناد را از میان برده است و البته نبودن تفکر صحیحی از آغاز جنگ و ضبط اسناد و خاطرات در ایجاد این مشکلات مؤثر بوده است.

اکنون پس از ۳۴ سال برای تهیه زندگی نامه سردار شهید امان الله جزینی با تمام این مشکلات برخورد داشتم. بسیاری از کسانی که خاطرات آن ها مهم بود یا به شهادت رسیده اند یا به مرگ طبعی به دیار باقی شتافته اند. اسناد از میان رفته اند و حتی توانستم نواری از دعا های امان الله که در روزهای جنگ در دُرچه دست به دست می شد را پیدا کنم. آقای سلمان جزینی سال ها پیش یادنامه ای را از خاطرات دوستان پدرش تهیه کرده بود که پس از جستجوی

فراوان یافته شد اما چیزی اضافه بر مصاحبه‌های موجود در آن یافت نشد. تنها سندی که از دست‌نوشته‌های شهید رؤیت شد همان گزارشی بود که شهید از مأموریت خود در آبان ۱۳۵۹ تهیه کرده بود و دو برگ وصیت‌نامه که عکس آن در پرونده اسناد بنیاد شهید بود.

برای تهیه این زندگی‌نامه ابتدا سراغ دوستان و هم‌زمان شهید را گرفتیم و با ایشان به گفتگو نشستیم. از این جهت یکی از ارکان اسنادی من مصاحبه‌هاست که در این نشست‌ها گرفته شده است. فرمانده وقت سپاه درجه - جت الاسلام سید محمدعلی موسوی و جانشین او آقای سردار دکتر صفرعلی براتی در نیز هم‌زمان شهید مانند: سرهنگ حاج حسین براتی، سرهنگ حاج ابوالپناهد سرهنگ حاج سید ابراهیم رضوی، سرهنگ حاج سیدباقر رضوی، سرهنگ حاج محمد سلیمانی، سرهنگ محمد اسماعیل اسحاقیان، سرهنگ حاج محمد سلیمی دینانی، سرهنگ حاج مهدی ابراهیمی، سرهنگ حاج نادرعلی رانی، حاج حسین مردی‌ها، حاج ناصر براتی و حاج علی علیجانی برای تهیه این کتاب به سؤالات نویسنده پاسخ داده‌اند؛^۱ مصاحبه‌های نگارنده با این افراد به همراه گفتگوهای من با همسر شهید جزینی و پدر ایشان، حاج غلام‌عباس مردی‌ها، سید کریمی و فرزندان شهید، سلمان و امان‌الله جزینی (عمار) جزو اسناد شناسی او به است. پرونده شهید در سپاه حضرت صاحب‌الزمان (ع) و پرونده شهید در یاد شهید نیز حاوی اطلاعات ارزشمندی بود. در پرونده بنیاد شهید خاطراتی از پدر، مادر، خواهران و برخی از دوستان شهید در قالب مکتوب نگهداری می‌شود که معلوم است در همان سال‌های اولیه پس از شهادت تهیه شده است. این اسناد هم اطلاعات ارزشمندی داشت. کتاب‌هایی از زندگی دیگر شهدای احمدآباد نیز مورد استفاده بوده است که در فهرست منابع ذکر شده است. اینجانب همچنین برای مفیدتر بودن کتاب به روش قیاس از کل به جزء آغاز کرده

و از نوشتن مطالبی در مورد تاریخچه و جغرافیای احمدآباد، مقدماتی برای جنبش خلق عرب در خرمشهر، شورش در ترکمن صحرا، ریشه اختلافات مرزی با عراق و تاریخچه عملیات دریغ نداشتام.

برای نام کتاب مانده بودم و شاید از خیلی از کسان و هم‌زمان شهید هم پرسیدم و به جایی نرسیدم. در نشست هم‌روایی هم‌زمان در منزل شهید امان‌الله جزینی داستان نام و وسواس خود را در انتخاب آن، با جناب استاد قاسمی کرمی هُروستانی که خود از رزمندگان و جانبازان جنگ و راویان پر جرح است، در میان نهادم؛ ایشان با خوش‌رویی گفتند این یکی را نگران مباش تا آخر کار خریدش (شهید) می‌گوید. در طول تحقیق که با منطق عاشقانه شهید آشنا می‌شدم، تصور داشتم نام کتاب «سخن عشق» باشد، اما در دوره‌های بعد وقتی نقش فوق‌العاده مهم شهید را در پیشگامی و خط‌شکنی و فراهم آوردن مقدمه برای فتح خرمشهر دیدم، تصورم این بود که نام کتاب را «پیشگام فتح خرمشهر» بگذارم؛ اما گذشت زمان حرف استاد کرمی را بر من ثابت کرد که «الاسماء من السماء». بلکه نام‌ها از آسمان نازل و الهام می‌شوند. همواره در سفر و حضر به این موضوع فکر می‌کردم تا این که در روزهای آخر تدوین نام «آردی بهشت» در ذهنم آمد؛ این نام برایم قانع‌کننده بود زیرا:

- آردی بهشت به معنی پاکی و راستی است و بارزترین خصوصیات شهید در سراسر زندگی‌اش همین بوده است.

- اوج مدارج و حماسه‌آفرینی‌های امان‌الله و شهادت وی در این ماه صورت گرفته است.

- خانواده و دوستان شهید جزینی، بارها و بارها در عالم رؤیا او را در بهشت برین، زیبا و پاکیزه مشاهده کرده‌اند.

- در اولین دیداری که از مزار شهدای احمدآباد داشتم احساس حضور در فضایی بهشتی به من دست داد.

- در متون تاریخی و ادبی، از بلوک ماریین که احمدآباد دُرچه نیز در آن واقع شده، با عنوان اِرم و بهشت یاد شده است.

اعتراف می‌کنم وقتی قبول کردم تا این زندگی‌نامه را بنویسم هرگز تصور شدت سختی‌های آن را نداشتم. در این راه اگر یاری‌های کارشناسانه دوست ارجمندم جناب آقای دکتر مهدی ابوالحسنی ترقی نبود آمیدی به پایان این راه نداشت. باز هم به‌عنوان معلم تاریخ اعتراف می‌کنم علیرغم آن‌که خود چند صباحی در دوران دفاع مقدس در جبهه حضور داشتم، آگاهی‌های من در مورد جنگ کم بود و به یاری این زندگی‌نامه خیلی چیزها آموختم؛ به همین دلیل سپاس‌راری، بیز دارم از بانیان و مسئولین کنگره شهدای خمینی‌شهر که این فرصت را من هدیه کردند. خداوند بر توفیقاتشان بیفزاید.

محمدحسین فروغی

اصفهان، ۲۸ مرداد ۱۳۹۵